

درس دوم

تاریخ ادبیات

شعر «فضل خدا» سروده‌ی سعدی است. داستان «راز گل سرخ» از کتاب «زیباترین قصه‌ها» اثر مهدی مراد حاصل انتخاب شده است.

فضل خدا

فضلِ خدایِ راه، که تواند شمار کرد؟
یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟
چه کسی می‌تواند لطف و بخشش خدا را بشمارد یا چه کسی است که شکر یکی از هزاران نعمت خدا را به جای آورد. (هیچ کس قادر به شمارش فضل و نعمت خدا نیست.)

بحر آفرید و برّ و درختان و آدمی
خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد

خداوند، دریا، خشکی، درختان، انسان، خورشید، ماه، ستارگان، شب و روز را آفرید.

اجزای خاک مُرده، به تأثیر آفتاب
بُستانِ میوه و چمن و لاله‌زار کرد

خداوند اجزای خاک بی‌جان را به کمک و تأثیر نور آفتاب به باغ میوه و چمن‌زار و لاله‌زار تبدیل نمود.

ابر، آب داد بیخ درختان مُرده را
شاخ برهنه، پیرهن نوبهار کرد

ابر به خواست خدا ریشه‌ی درختان خشک و بی‌جان را آب داد و بهار و سبزه را در شاخه‌ی خشک و خالی درختان قرار داد. (بهار آمد.)

توحید گوی او، نه بنی‌آدم‌اند و بس
هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

ستایش‌کننده‌ی خدا فقط انسان‌ها نیستند بلکه هر پرنده (آفریده‌ای) که روی شاخه‌های بزرگ زمزمه می‌کند، ستایش‌کننده‌ی خدا است.

درخت گردکان

پیش خودش گفت: «درخت گردکان به این بلندی، درخت خربزه الله اکبر! من که از کار خدا هیچ سر در نمی‌آورم.»

با خودش گفت: «درخت گردویی به این بلندی با میوه‌ای به این کوچکی و بوته‌ی خربزه‌ای به آن کوچکی با میوه-

ای به آن بزرگی، الله اکبر! چه قدر شگفت‌انگیز! من که اصلاً از کار خدا سر در نمی‌آورم.»